

## سلامت اداری، سیستماتیک نشود، فساد سیستماتیک میشود

سلامت اداری یکی از عوامل تعیین کننده در هر سازمان است به نحوی که فقدان آن به مانع جدی برای رسیدن به اهداف سازمان و رضایت ارباب رجوع منجر میشود. ارتقای سلامت اداری به صرف مبارزه با مفاسد اداری محقق نمیشود بلکه برای رسیدن به سلامت اداری باید به نحوی عمل کرد که اولاً فرصتهای فساد تا حد امکان کم شود، ثانياً هزینه فساد افزایش یابد، ثالثاً با ارتقای شفافیت امکان کشف فساد تسهیل گردد، رابعاً کسانی که فساد را کشف و گزارش میکنند مورد حمایت قرار گیرند و خامساً با فاسدان، بدون اغماض و با قاطعیت برخورد شود؛ تحقق این موارد به صورت تصادفی هرگز محقق نمیشود بلکه باید برایشان برنامه داشت. این برنامه ها میتوانند شامل وضع قوانین بازدارنده، تنقیح قوانین موجود، اصلاح فرایندها از طریق و کاهش گلوگاه ها، اصلاح شاخصها و سنجه های فرایندی به منظور هدایت صحیح فرایندها در مسیر سلامت اداری، اهتمام به استخدام و انتصاب افراد شایسته و سالم، استفاده از نظامات جبران خدمت عادلانه و مکفی، تحقق دولت الکترونیک و استفاده از سامانه های کارآمد برای کاهش مواجهه ارباب رجوع و کارمندان، برنامه ریزی برای ایجاد کانالهای تعاملی با ارباب رجوع، رسانه ها و تشکلهای برای کشف و شناسایی مفاسد و ایجاد فضای مطالبه گری جهت برخورد با مفاسد باید به صورت واقعی در دستور کار قرار گیرند.

مساله این است که اگر به صورت سیستماتیک با فساد مبارزه نشود نمیتوان مدعی مبارزه با آن شد، مکانیزمی که نخواهد فسادستیزی را به صورت سیستماتیک طراحی و دنبال کند در معرض ابتلا به فساد سیستماتیک قرار میگیرد، در فساد سیستماتیک، افراد و فرایندها دچار انحراف و فساد میشوند و سایر اجزاء سازمان و ذینفعان بیرونی سازمان نسبت به برخورد با آن حساسیتی از خود نشان نمیدهند و حتی از فساد حمایت میکنند و شبکه سازی مینمایند، در یک سیستم فاسد امکان مبارزه با فساد بسیار مشکل است چرا که سیستم با فساد کنار آمده و برخورد با فساد اصطکاکی به مراتب بیش از فاسد شدن برای اشخاص ایجاد میکند که الحمدلله نظامات اداری ما دچار این شرایط نیستند ولی مسئله این است که اگر فساد سیستماتیک ایجاد شد، اصلاح آن بسیار مشکل خواهد بود و امروز اگرچه فساد سیستماتیک نداریم اما سلامت اداری ما نیز به صورت سیستماتیک و با حساسیت همه اجزا دنبال نمیشود که این زنگ هشدار را برای نظام اداری ما به صدا در می آورد.

برای سیستماتیک شدن سلامت اداری در نظام اداری نیاز به عزم جدی وجود دارد، عزمی که باید ملی باشد و البته برای ملی شدنش نخبگان، خواص، رسانه ها، تشکلهای مردم نهاد و علی الخصوص جوانان مطالبه گر و انقلابی میتوانند نقش ویژه ای ایفا کنند، باید فریاد مطالبه گری و فسادستیزی در سازمانها و در جامعه فراگیر شود، باید کسانی که مفسدان را تطهیر میکنند یا پناه و بعضا ارتقا میدهند از طریق مردم منکوب شوند، نباید گذاشت یک شخص فاسد و مسئله دار به جایگاه تعیین کننده در مناصب حکومتی و حتی حزبی برسد که اگر رسید همانجا به حرفه نفوذ افراد فاسد تبدیل خواهد شد و این محقق نمیشود مگر وقتی که در عرصه فسادستیزی سیاستزده عمل نکنیم و فریب سیاسیون را نخوریم. البته همانطور که مطالبه گری برای مبارزه با فساد کاملا موثر و مفید است، سیاه نمایی در این باره و سیستماتیک دانستن فساد هم مضر است و باعث میشود امید و انگیزه برای فسادستیزی از بین برود و حتی افراد سالم نیز به مفساد تن دهند که رعایت این ظرافتها، تشریح شان و جاری کردنشان در جامعه باید همانطور که رهبر معظم انقلاب دنبال میکنند، در دستور کار نخبگان و مهمتر از همه، جوانان انقلابی قرار گیرد.

برای ایجاد عزم ملی در زمینه فسادستیزی باید مردم و جوانانی را که ممکن است فردا در موقعیت فساد قرار گیرند را واکسینه کرد، توجیهاتی که مفسدان دارند خیلی گسترده و متنوع نیست، بسیاری از مفسدان تا پیش از این که در موقعیت فساد قرار گیرند فکرش را نمیکردند که به فساد لبخند بزنند، باید توجیهاتی که در چنین شرایطی موضوعیت پیدا میکنند را از قبل در جامعه مرتفع کرد تا در هنگام خطر به راحتی و سربلند از آن خارج شوند. امروز خیلی از همانهایی که به انتصابات فامیلی و رانتی و قومی انتقاد میکنند اگر فرصت پیدا کنند آلوده میشوند، خیلی از آنهایی که به استفاده شخصی از بیت المال انتقاد میکنند در موقعیتش قرار گیرند مبتلا به میشوند، خیلی از آنهایی که به مدیران سالخورده و تنبل انتقاد میکنند اگر در موقعیتش قرار گیرند حاضر نمیشوند عرصه را برای جوانترها خالی کنند، خیلی از آنهایی که به چند شغلی مدیران انتقاد میکنند ممکن است خودشان هم به آن مبتلا شوند، اصلا خیلی از مدیرانی که امروز به آنها انتقاد داریم روزگاری از ما داغتر و منتقدتر بوده اند و این، اهمیت فرهنگسازی، آموزش، رفع شبهات و زدودن توجیهات فسادخیز را برای ما آشکار میکند، امری که به استفاده از ظرفیت منابر، رسانه ها و هنرمندان نیازمند است.

نویسنده : سیاوش آقاجانی